

مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 19 - سخنرانی امام سجاد (ع) در نزدك مدینه

امام سجاد (علیه السلام) با دست مبارکش اشاره فرمود تا مردم سکوت نمایند و چون آن خلق عظیم ساکت شدند. امام (علیه السلام) فرمود: ((الحمد لله ...)) سپس فرمود: حمد می نمایم ... خداوند را بر امور بزرگ و دشوار و مصیبت های روزگار غدار و درد و سوزش داغهای اندوه آور و واقعه عظیم و مصیبت جسیم که اندوهش بیکران و بار محنتش گران و دشواریش از بیخ بر آورنده صبر داغ دیدگان است . ای گروه مردم ! به درستی آن خدایی که سپاسش بر من واجب است ،

مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 19 - سخنرانی امام سجاد (ع) در نزدك مدینه

- امام سجاد (علیه السلام) با دست مبارکش اشاره فرمود تا مردم سکوت نمایند و چون آن خلق عظیم ساکت شدند.

امام (علیه السلام) فرمود: ((الحمد لله ...)) سپس فرمود: حمد می نمایم

الذی بعد فارتفع فی السموات العلی ، و قرب فشهد النجوی ، نحمده علی عظام الامور، و فجاجع الدهور، و اءلم الفواجع ، و مضاضة اللواذع ، و جلیل الرزء، و عظیم المصائب الفاطضة الكاظفة الفادحة الجائحة .

ءیها القوم ، ان الله و له الحمد ابتلانا بمصائب جلیلة ، و ثلثة فی الاسلام عظیمة : قتل ءابو عبد الله (علیه السلام) و عترته ، و سبی نساؤ ه و صبیته ، و داروا براءسه فی البلدان من فوق عامل السنان ، و هذه الرزفة التی لا مثلها رزفة .

ءیها الناس ، فاءى رجالات منكم یسرون بعد قتله ؟! ءم ءمى فؤ اد لا یحزن من ءعجله ءم ءمى عین منكم تحبس دمعها و تضن عن انهمالها؟! فلقد بکت السبع الشداد لقتله ، و بکت البحار بءمواجها، و السموات بءاركانها، و الءارض بءارجائها، و الءشجار بءغصانها، و الحیتان فی لجاج البحار، و الملائكة المقربون و ءهل السموات ءجمعون .

ءیها الناس ، ءمى قلب لا ینصدع لقتله ؟!

خداوند را بر امور بزرگ و دشوار و مصیبت های روزگار غدار و درد و سوزش داغهای اندوه آور و واقعه عظیم و مصیبت جسیم که اندوهش بیکران و بار محنتش گران و دشواریش از بیخ بر آورنده صبر داغ دیدگان است .

ای گروه مردم ! به درستی آن خدایی که سپاسش بر من واجب است ، آزمایش نماید ما را به مصیبت های بزرگ و رخنه های عظیم که در اسلام واقع شد. جناب ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) با عترت طاهره اش کشته شدند و زنان حریمش و دختران کریمش اسیر گردیدند و سر انورش را در بالای نیزه در شهرها گردانید و چنین مصیبتی را را دیده روزگار هرگز ندیده است .

ای مردم ! چگونه پس از شهادت او، شاد شوید بود و کدام دل از داغ این درد صبوری تواند نمود؛ چه دیده ای می تواند از ریختن اشک خودداری کند.

و در صورتی که آسمانهای هفتگانه که دارای بنایی محکم است ، در شهادت او تاب نیاورده گریستند و دریاها با امواج خود و آسمانها با ارکانشان و زمین با اعماق و اطراف خود و درختان با شاخه هایشان و ماهی ها در دریا و فرشتگان مقرب الهی و همه اهل آسمانها، در این مصیبت عزادار بودند و اشک ریختند!

ای مرد ! کدام قلب از صدمه کشته امام حسین (علیه السلام) از هم نشکافت ؟

ءم ءمى فؤ اد لا یحزن لیه ؟! ءم ءمى سمع یسمع هذه الثلثة التی تلمت فی الاسلام و لا یصم ؟!

ءیها الناس ، ءصباحنا مطرودین مشردین شاسعین عن الءمصارع، کاءنا ءولاد ترك ءمءو کابل ، من غیر جرم اجترمنه ، و لا مکروه ارتکبناه ، و لا ثلثة فی الاسلام ثلمنها، ما سمعنا بهذفا فی آبائنا الءولین ، ان هذا الا اختلاق .

و الله ، لو ءن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) تقدم الیهم فی قتالنا کما تقدم الیهم فی الوصایة بنا لما زادوا علی ما فعلوا بنا، فانا لله و انا الیه راجعون ، من مصیبة ما ءعظمها و ءوجعها و ءفجعها و ءكظها و ءفطعها و ءفدحها، فعند الله نحتسب فیما ءصابنا و ءبلغ بنا، انه عزیز ذو انتقام)).

قال الراوی : فقام صوحان بن صعصعة بن صوحان - و كان زمنا - فاعتذر الیه صلوات الله علیه بما عنده من زمانه رجلیه ، فءاجابه بقبول معذرتة و حسن الظن به و شكر له و ترحم علی ءبیه .

کدام دلی است که فریاد و ناله را فرو گذاشت ؟ کدام گوش خبر وحشت اثر این رخنه که بر اسلام وارد گردید، بشنید و گریه نکرد؟

ای مردم ! صبح طالع ما بدان تیرگی رسید که مطرود و بی اعتبار و دور از بلاد و انصار، شهره هر دیار گردیدیم ، گویا ما از اهالی ترکستان و کابل هستیم ، (که چنین بر خوردی با ما می کنند) بودن آنکه جرمی کرده و یا کار ناپسندی به جا آورده یا آنکه رخنه در دین نموده باشیم .

همانا چنین رفتار اهانت آمیزی را در گذشتهگان سراغ نداریم بلکه این بدعت و جسارت جدیدی است . به خدای یگانه سوگند که چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به جای وصیت در رعایت حق ما، فرمان جنگ با ما را می داد، زیاده از آنچه به جا آوردند، نمی توانستند ظلمی نمایند؛ ((فانه لله ...)) آن مصیبتی که عظیم و دردناک و اندوهش گرانبار است و خارج از اندازه و مقدار و تلخ و ناگوار بوده . سپس در آنچه به ما رسید، از مصیبت ها نزد حضرت داور احتساب اجر می دارم و ذخیره آخرت می شمارم ؛ ((فانه ...)).

راوی گوید: سپس صوحان بن صعصعه بن صوحان که مبتلا به مرض و زمینگیر بود، زبان معذرت گشود و اظهار افسوس بر عدم قدرت بر یاری و نصرتش نمود که از پاهای زمینگیر و از تقاعد ناگزیر بوده . امام سجاد (علیه السلام) به حسن جواب عذر او را پذیرفت و به حسن عقیدت خود درباره اش ملاطفت گفت و خدمت ناکرده اش را قبول کرده و بر والدش رحمت نمود.

قال علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاوس جامع هذا الكتاب :

ثم انه صلوات الله علیه رحل الی المدینة بءهله و عیاله ، و نظر الی منازل قومه و رجاله ، فوجد تلك المنازل تتوح بلسان ءحوالها، و تبوح باعلان الدموع و ارسالها، لفقد حماتها و رجالها، و تندب علیهم ندب الثواكل ، و تساءل عنهم ءهل المناهل ، و تهیج ءحزانه علی مصارع قتلاه ، و تنادی لءجلهم : وا تكله ، و تقول :

یا قوم ، ءعذرونی علی النیاحة و العویل ، و ساعدونی علی المصاب الجلیل .

فان القوم الذین ءندب لفراقهم و ءحن الی کرم ءخلاقهم .

كانوا سمار لیلی و نهاری ، و انوار ظلمی و اسحاری ، و اءطناب شرفی و افتخاری ، و اءسیاب قوتی و انتصاری ، والخلف من شموسی و اءقماری .